

# PART ONE

# GRAMMAR

## مقدمه:

در آزمون کارشناسی ارشد، از ۱۵ سؤال درس زبان عمومی، پنج سؤال (سؤالات ۱۱ تا ۱۵) به گرامر و دستور زبان می‌پردازد. بدین صورت که متنی را به صورت **cloze test** به شما می‌دهند که در آن پنج جای خالی قرار دارد. این پنج جای خالی هر کدام، یک سؤال گرامری می‌باشد. این سؤالات گرامری به مباحث مختلفی می‌پردازند که ما همه‌ی این مباحث را در بخش پیش‌رو گنجانده‌ایم. داوطلبان باید این مباحث را به طور کامل به همان ترتیبی که ما ارائه کرده‌ایم مطالعه نمایند چون این مطالب دقیقاً مثل حلقه‌های یک زنجیر به هم ریگر وابسته هستند و چنانچه فصلی را از قلم بیان نازید، ممکن است در درک مطالب بعدی دچار مشکل شوید. توصیه‌ای که به داوطلبان داریم این است که تماماً مباحث معلوم و مجهول، صفت، تشدیدکننده‌ها، عروف ربط، جمله‌واره‌ها (**clauses**)، وجه وصفی، وارونگی و سافتار موازی را با دقت بیشتری مطالعه کنند چون بیش از ۱۰ درصد سؤالات از همین چند مبحث طراحی می‌شود.

از آنجا که سؤالات گرامری به صورت کلوز تست طراحی می‌شوند، اساساً میکروطبقه‌بندی کردن این بخش غیرممکن است. بنابراین ما سعی کرده‌ایم تمام تست‌های گرامری را به صورت یک جا از سال ۱۳۹۵ به بعد در انتهای این بخش قرار دهیم. وجه متمایز این کتاب از سایر کتاب‌های داخل بازار این است که ما سعی کرده‌ایم تمام مثال‌ها، متون و سؤالات را به صورت کاملاً تصدیفی (جهت آموزش راحتتر مطالب) ترجمه کنیم. همچنین از دیگر ویژگی‌های این کتاب این است که سعی کرده‌ایم تمام سؤالات (مگر سؤالات راحتتر) را به صورت ردگزینه پاسخ دهیم. همچنین سعی کرده‌ایم در خلال تدریس مطالب، یک سری تست تکنوری به صورت میکروطبقه‌بندی شده ارائه دهیم تا درک مباحث برای شما آسانتر شود.



# مدرسان شریف

## فصل اول

### «اسم، ضمیر و فعل»

معمولاً از مباحثی چون اسم، ضمیر و تا حدودی فعل، سؤال چندانی در آزمون‌های سال‌های اخیر طراحی نشده. این‌گونه مباحث بیشتر در آزمون‌های دهه ۸۰ مورد ارزیابی قرار می‌گرفتند و اکنون طراحان، به مباحث مهم‌تری می‌پردازند که در فصل‌های بعدی به آن‌ها خواهیم پرداخت. در عین حال جهت آشنایی و صرف اینکه شما را از خواندن هر منبع دیگری بی‌نیاز کنیم، بد نیست این سه مبحث را هم به طور خلاصه بررسی کنیم.



**اسم** کلمه‌ای است که برای نامیدن یک موجود زنده، یک موجود غیرزنده یا یک مفهوم خاص به کار می‌رود. مثلاً کتاب و علی در زبان فارسی یا book و Ali در زبان انگلیسی. اسم‌ها می‌توانند **قابل شمارش** یا **غیرقابل شمارش** باشند. اسم قابل شمارش اسمی است که می‌توان آن را شمرد؛ مانند book، چون می‌توانیم بگوییم one book یا ten books. واژه‌هایی مثل table, boy, cat و ... همگی در این دسته قرار دارند، چون همه‌ی آنها را می‌توان شمرد، ولی اسم غیرقابل شمارش اسمی است که نمی‌توان آن را شمرد؛ مانند information، چون نمی‌توانیم بگوییم one information یا دو اطلاعات. با اینکه این تکنیک بسیار کمک‌کننده است، اما گاهی چندان جوابگو نیست. بنابراین بهترین راه برای تفکیک اسمی قابل شمارش از اسمی غیرقابل شمارش این است که آن‌ها را حفظ کنیم. البته تا به حال سؤالی از این مبحث نیامده، پس شما هم لازم نیست خودتان را زیاد درگیر این موضوع کنید و همین که نگاهی به **اسامی غیرقابل شمارش** زیر بیان‌دازید، در حد کنکور کفایت می‌کند: (به جای حفظ این اسامی، فقط عناوین را به خاطر بسپارید)

**Fluids:** blood, water, oil, coffee, tea, gasoline....

**Foods:** rice, sugar, fruit, milk, bread, butter, cheese ....

**Raw materials:** wood, paper, glass, iron, silver, wool ....

**Gases:** oxygen, nitrogen, air, pollution, steam....

**General:** furniture, mail, money, traffic....

**Academic subjects:** chemistry, mathematics, physics, psychology, linguistics....

**Languages:** English, Chinese, Japanese, Spanish ....

**Abstract things:** education, health, beauty, intelligence, knowledge, sleep, hope, music, time....

بد نیست این را هم اضافه کنیم که این اسامی معمولاً **غیرقابل شمارش** هستند. پس اگر جایی دیدید به صورت قابل شمارش هم به کار رفته‌اند، زیاد جا نخورید چون قابل شمارش بودن یا غیرقابل شمارش بودن یک واژه مطلق نیست و بستگی به معنی‌های مختلف آن واژه دارد.



**نکته آزمون:** یکی از ویژگی‌های اسامی قابل شمارش این است که می‌توانیم قبل از آنها از a/an یا از یک عدد استفاده کنیم و یا آن‌ها را به صورت جمع به کار ببریم:

a chair ⇒ chairs ⇒ two chairs

a boy ⇒ boys ⇒ four boys

اما اسامی غیرقابل شمارش این‌طور نیستند؛ یعنی قبل از آنها نمی‌توانیم از a/an یا عدد استفاده کنیم. همچنین نمی‌توانیم آن‌ها را به صورت جمع به کار ببریم:

information ⇒ one information ⇒ informations

gold ⇒ ~~golds~~ ⇒ ~~two-golds~~

**چند نکته مهم درباره‌ی اسم که ممکن است در آزمون‌ها از آنها سؤال بیاید:**

۱- گفتیم می‌توان اسم قابل شمارش را جمع بست و به آن S جمع اضافه کرد، اما بعضی از اسم‌ها مثل mathematics (ریاضیات)، physics (فیزیک)، linguistics (زبان‌شناسی)، statistics (علم آمار)، economics (اقتصاد) و مواردی از این قبیل با اینکه به S ختم شده‌اند، اما این S متعلق به خود کلمه است و علامت جمع نیست.



Statistics is a branch of mathematics.

آمار شاخه‌ای از ریاضیات است.

To me, physics is a fascinating subject.

از نظر من، فیزیک رشته‌ی جالبی است.

۲- اسامی زیر همیشه جمع هستند و در نتیجه با فعل جمع به کار می‌روند:

glasses	عینک	jeans	شلوار جین	stairs	پله‌ها
trousers	شلوار	belongings	متعلقات، وسایل	people	مردم
earnings	عایدات	goods	کالا	scissors	قیچی
pants	شلوار	police	پلیس	clothes	لباس

Several police were injured during the rioting.

چند پلیس طی شورش مصدوم شدند.

At least 40 people were killed.

دست کم ۴۰ نفر کشته شدند.

۳- اسم می‌تواند فاعل یا مفعول باشد؛ مثلاً در جمله‌ی David bought two books. David فاعل و book مفعول است. همچنین اسم می‌تواند از چند کلمه تشکیل شده باشد که در این صورت به آن عبارت اسمی (noun phrase) می‌گوییم؛ مثل the source of the money که باز می‌تواند فاعل یا مفعول باشد.

**Example 1: The people attending the MBA conference in Tehran are not .....**

- 1) mathematic's professors
- 2) mathematics professor
- 3) mathematics professors
- 4) mathematic professors

پاسخ: گزینه «۳» افرادی که در کنفرانس MBA در تهران شرکت می‌کنند، اساتید ریاضیات نیستند.

توضیح گرامری: علم ریاضی را mathematics می‌گوییم نه mathematic یا mathematic's (علت نادرست بودن گزینه‌های (۱) و (۲)) و چون people جمع است، professor هم باید به صورت professors باشد.



### ضمایر

ضمیر کلمه‌ای است که جانشین اسم می‌شود تا از تکرار آن جلوگیری کند:

The boy is 25 years old. The boy is married

آن پسر ۲۵ سال سن دارد. آن پسر متأهل است.

The boy is 25 years old. He is married

آن پسر ۲۵ سال سن دارد. او متأهل است.

### تقسیم‌بندی ضمایر

۱- ضمایر فاعلی: این ضمایر همانطور که از اسم‌شان پیداست، به جای فاعل می‌نشینند و به صورت «من، تو، او، ما و...» ترجمه می‌شوند. این هم فهرست کاملشان به همراه چند مثال:

	مفرد	جمع
اول شخص	I	we
دوم شخص	you	you
سوم شخص	he / she / it	they

We live in Tehran.

ما در تهران زندگی می‌کنیم.

My wife and I are related.

همسر من و من خویشاوند هستیم.

She wakes up early.

او (مؤنث) صبح زود از خواب بیدار می‌شود.

They speak Italian.

آنها ایتالیایی صحبت می‌کنند.

۲- ضمایر مفعولی: این ضمایر یا جای مفعول می‌نشینند و یا این که بعد از حرف اضافه به کار می‌روند و درست مثل ضمایر فاعلی به صورت «من، تو، او، ما و...» ترجمه می‌شوند:

	مفرد	جمع
اول شخص	me	Us
دوم شخص	you	You
سوم شخص	him / her / it	Them

He loves me.

او من را دوست دارد.

We buried him.

ما او را دفن کردیم.

Between you and me (not I), he is smoking.

بین خودمان (تو و من) باشد، او سیگار می‌کشد.

Learning English is easy for us.

یادگیری انگلیسی برای ما آسان است.

**Example 2:** Moby Dick is a mythical account of evil and revenge as shown by Captain Ahab's pursuit of the whale that had wounded ..... earlier in life.

1) he

2) his

3) him

4) to him

پاسخ: گزینه «۳» «موبی دیک»، داستانی در مورد شرارت و انتقام است که در آن، ناخدا ایهب به دنبال نهنگی می‌رود که قبلاً او را زخمی کرده.

**توضیح گرامری:** wound به معنی زخمی کردن، فعل است و چون جای خالی بعد از فعل قرار گرفته، می‌توانیم بگوییم باید حتماً با مفعول یا ضمیر مفعولی پر شود. در بین گزینه‌ها فقط him ضمیر مفعولی است. پس گزینه‌های (۱) و (۲) کنار می‌روند. در گزینه (۴) حرف اضافه‌ی to غیر ضروری است. به عنوان یک قانون کلی یادتان باشد که معمولاً ضمائر فاعلی قبل از فعل و ضمائر مفعولی بعد از آن (فعل) به کار می‌روند.

**Example 3:** For they, the most rewarding shipwreck found was the HMS Associated.

1

2

3

4

پاسخ: گزینه «۱» تحسین برانگیزترین کشتی به گل نشسته از نظر آنها HMS Associated بود.

**توضیح گرامری:** they ضمیر فاعلی است که قبل از فعل می‌آید. them ضمیر مفعولی است که بعد از حرف اضافه به عنوان مفعول به کار می‌رود. پس گزینه (۱) باید به them تبدیل شود.

به این تست‌ها تصحیح جمله گفته می‌شود. شما باید گزینه‌ای را که به لحاظ گرامری نادرست است مشخص کنید. البته تا به حال در کنکور تست‌های این سبکی نیامده است.

**۳- ضمائر ملکی:** ضمائر ملکی نشان‌دهنده‌ی مالکیت یک چیز هستند و معمولاً بعد از فعل to be می‌آیند و به صورت «مال من، مال تو و ...» ترجمه می‌شوند. فهرست این ضمائر به همراه چند مثال در زیر آمده:

	مفرد	جمع
اول شخص	mine	ours
دوم شخص	yours	yours
سوم شخص	his / hers	theirs

The purse is **hers**.

این کیف، مال او است.

I couldn't work in Mary's room. **Hers** is even smaller than **yours** or **mine**.

نمی‌توانستم در اتاق مری کار کنم. اتاق او از اتاق تو و من هم کوچک‌تر است.

Whose book is this? This book is **mine**.

این کتاب مال چه کسی است؟ این کتاب مال من است.

**۴- ضمائر انعکاسی:** این ضمائر نشان‌دهنده‌ی بازتاب دوباره‌ی فاعل یا مفعول هستند و به صورت «خودم، خودت، خودش و ...» ترجمه می‌شوند. این هم فهرست کامل این ضمائر به همراه چند مثال:

	مفرد	جمع
اول شخص	myself	ourselves
دوم شخص	yourself	yourselves
سوم شخص	himself / herself / itself	themselves

You yourself answered the telephone.

تو خودت به تلفن جواب دادی.

You answered the telephone yourself.

خود شما (شما خودتان) مقصر هستید.

You yourselves are the guilty ones.

او خودش از بچه مراقبت می‌کند.

He himself takes care of the baby.



# مدرسان شریف

## فصل پنجم

### «جمله‌واره‌های قیدی (Adverbial Clauses)»

تمام مباحثی که در فصل‌های قبلی بررسی کردیم، در سطح کلمه یا نهایتاً در سطح عبارت بودند و با مباحث پایه‌ی زبان سروکار داشتند. اما آنچه که در ادامه می‌خوانیم در سطح جمله و ساختارهای پیچیده‌تر هستند. پس این فصل و فصل‌های آتی را با جدیت بیشتری دنبال کنید چون خوراک تست‌های کنکور هستند.

برای اینکه به بحث جمله‌واره‌ی قیدی برسیم، اول از همه باید با مفهوم جمله‌واره آشنا شویم. **جمله‌واره**، **کلاز (clause)** یا هر اسمی که برایش انتخاب کنیم، از دو جزء تشکیل می‌شود: یک عبارت اسمی (noun phrase) در نقش فاعل و یک کامل‌کننده (predicate). مثلاً در جمله‌واره‌ی *Ahmad is a student*، عبارت اسمی *Ahmad* و کامل‌کننده، *is a student* است. جمله‌واره‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کنیم:

۱- **مستقل**: جمله‌واره‌ای است که به تنهایی کاربرد و معنا داشته باشد. در فارسی به آن **جمله‌ی پایه (Independent clause)** هم گفته می‌شود. مثال: «من دانشجو هستم»، «به بانک رفتم»، «I am Iranian» و «I am a student».

۲- **وابسته**: جمله‌واره‌ای که به تنهایی کاربرد و معنا نداشته باشد. در فارسی به آن **جمله‌ی پیرو (Dependent clause)** هم گفته می‌شود. مثال: «وقتی به مدرسه رفتم»، «این‌که او مشهور است»، «مردی که آنجاست»، «Because the bank was closed» و ...

سه نوع جمله‌واره‌ی وابسته داریم: ۱- **جمله‌واره‌ی قیدی**، ۲- **جمله‌واره‌ی وصفی** و ۳- **جمله‌واره‌ی اسمی** که در این فصل به جمله‌واره‌ی قیدی می‌پردازیم. پس تا اینجا یاد گرفتیم جمله‌واره‌ی قیدی یک جمله‌واره‌ی وابسته است که به تنهایی کاربرد و معنا ندارد.

در ساخت جمله‌واره‌های قیدی، **حروف ربط وابسته‌ساز (subordinating conjunction)** نقش اساسی‌ای ایفا می‌کنند. در واقع، جمله‌واره‌ی قیدی، جمله‌واره‌ای است که در آن یک حرف ربط وابسته‌ساز وجود داشته باشد. مثال:

**When I went to school**

وقتی به مدرسه رفتم.

در این مثال «وقتی به مدرسه رفتم» یا «When I went to school» یک جمله‌واره‌ی قیدی است که در آن «وقتی» و یا «when» حرف ربط وابسته‌ساز است. گفتیم جمله‌واره‌ی قیدی به تنهایی کاربرد و معنا ندارد. پس برای اینکه جمله‌واره‌ی بالا معنا پیدا کند، باید با یک جمله‌واره‌ی مستقل همراه شود. مثلاً به صورت زیر:

1. **When I went to school, I saw Ali.**

وقتی به مدرسه رفتم، علی را دیدم.

یا این مثال را هم ببینید:

2. **Although Tehran is a beautiful city, I don't like it.**

اگرچه تهران شهر زیبایی است، من آن را دوست ندارم.

پس تا اینجا به یک درک اولیه از جمله‌واره‌ی قیدی رسیدیم. اگر دقت کرده باشید، در دو مثال بالا، اول جمله‌واره‌ی قیدی را آورده‌ایم و بعد جمله‌واره‌ی مستقل را. اما لزوماً همیشه این طوری نیست و گاهی ممکن است جای این دو تا با هم عوض شود. (در زبان انگلیسی، چنین ترتیبی ارجحیت بیشتری دارد). پس دو تا مثال بالا را می‌توانیم به صورت زیر هم بازنویسی کنیم:

3. **I saw Ali when I went to school.**

علی را دیدم وقتی به مدرسه رفتم. (این حالت خیلی در فارسی متداول نیست. به همین خاطر ترجمه‌اش جالب در نمی‌آید.)

4. **I don't like Tehran although it is a beautiful city.**

تهران را دوست ندارم اگرچه شهر زیبایی است.

**نکته آزمون:** از مثال‌های بالا یک نکته‌ی دیگر هم می‌شود آموخت: وقتی اول جمله‌واره‌ی قیدی بیاید و بعد جمله‌واره‌ی مستقل، لازم است که جمله‌واره‌ی قیدی را با کاما از جمله‌واره‌ی مستقل جدا کنیم (مثال‌های ۱ و ۲) اما چنانچه جمله‌واره‌ی قیدی، بعد از جمله‌واره‌ی مستقل استفاده شود، معمولاً کاما لازم نیست. هرچند اگر بیاید هم، اشتباه نیست (مثال‌های ۳ و ۴). و یک نکته‌ی دیگر و البته بسیار مهم: **همانطور که می‌بینید هم جمله‌واره‌ی قیدی و هم جمله‌واره‌ی مستقل باید فاعل و فعل جداگانه داشته باشند.**



انواع جمله‌واره‌های قیدی: جمله‌واره‌ی قیدی به چند دسته تقسیم می‌شود:

### جمله‌واره‌ی قیدی زمان: (time clauses)

پیش از اختراع تلسکوپ، تماشای ستارگان مشکل بود. **before the telescope was invented**.

زمانی که در پارک راه می‌رفتم، دو نفر را دیدم که با هم دعوا می‌کردند. **When I was walking in the park**, I saw two men fighting.

The man stole the jewelry and he hid it in his home **until he could safely get out of the town**.

آن مرد، جواهر را دزدید و آن را در خانه‌ی خود مخفی کرد تا زمانی که بتواند به‌طور ایمن از شهر خارج شود.

راستی متوجه شدید چرا به این‌ها می‌گوییم جمله‌واره‌ی قیدی زمانی؟ چون با حرف ربط وابسته‌ساز زمانی ساخته شده‌اند. چند مثال بیشتر:

The meeting will begin **as soon as everyone arrives** . جلسه شروع خواهد شد به محض اینکه همه برسند.

We will go out for dinner **after the meeting is over** . برای صرف شام به رستوران خواهیم رفت بعد از اینکه جلسه تمام شود.

Emily hasn't spoken to her friends **since she's been grounded**. امیلی از وقتی که تنبیه شده، با دوستانش حرف نزده.

حروف ربط وابسته‌ساز زمان:

once, after, until, since, when, whenever, before, while, as long as, as soon as, till ....

**Example 1:** According to noted neurologist Antonio R. Damasio, joy or sorrow can emerge ..... physical changes in the body.

1) only after does the brain register

2) to register the brain after only

3) only after the brain registers

4) to register only after the brain

پاسخ: گزینه «۳» بنا به گفته آنتونیو آر. داماسیو که یک نورولوژیست معروف است، خوشحالی و غم تنها زمانی پدید می‌آیند که مغز، تغییرات فیزیکی بدن را ثبت می‌کند.

**توضیح گرامری:** یک جمله‌واره‌ی قیدی زمانی داریم:

According to noted neurologist Antonio R. Damasio, joy or sorrow can emerge only **after the brain registers physical changes in the body**.

### جمله‌واره‌ی قیدی علت و معلول (cause clauses)

**Since some planets are too far away to send people**, computer operated space probes are sent.

چون بعضی از سیارات آن قدر دورند که نمی‌توان انسان‌ها را بر روی آنها فرستاد، کاوشگران فضایی که از طریق کامپیوتر عمل می‌کنند، به آنجا فرستاده می‌شوند.

He is like his father **in that he is very susceptible to feminine charms**.

او مثل پدرش است چون که نمی‌تواند در برابر وسوسه‌های زنانه دوام بیاورد. (این حرف ربط می‌تواند خوراک تست‌های کنکور باشد).

**As it is a public holiday**, you won't find many shops open. چون یک تعطیلی عمومی است، بسیاری از مغازه‌ها بسته هستند.

He hated being in the army **because he had to obey commands**.

او دوست نداشت در ارتش خدمت کند چون مجبور بود از دستورات اطاعت کند.

Many critics have objected to the proposal **on the grounds that it would be too costly**.

بسیاری از منتقدان با آن پیشنهاد مخالفت کرده‌اند چون بیش از حد هزینه‌بر است. (این هم یک حرف ربط کنکوری دیگر!)

حروف ربط وابسته‌ساز علت و معلول:

because, since, as, due to the fact that, in that, on the grounds that ...

**Example 2:** .....most important problems are multifaceted, there are several alternatives to choose from, each with unique advantages and disadvantages.

1) Since

2) Hence

3) Besides

4) As far as

پاسخ: گزینه «۱» چون اکثر مسائل مهم چند بعدی هستند، راه‌های دیگری برای انتخاب کردن از میان آنها وجود دارد؛ هر یک با مزایا (امتیازها) و اشکالات منحصر به فرد.

**توضیح گرامری:** با توجه به مفهوم تست به *Since* نیاز داریم (یک جمله‌واره‌ی قیدی علت و معلولی)

**Since most important problems are multifaceted**, there are several alternatives .....



### جمله‌واره‌ی قیدی تضاد (contrast clauses)

**Although helium is rare on earth,** it is common in the universe.

اگرچه عنصر هلیوم روی زمین کمیاب است، در کل جهان بسیار یافت می‌شود.

**Though it was raining cats and dogs,** we continued our playing and won the football match.

اگرچه (یا گرچه) باران شدیدی داشت می‌بارید، به بازی ادامه دادیم و مسابقه‌ی فوتبال را بردیم.

**Whereas Jane was fresh and active,** her sister was upset.

اگرچه (یا در حالی که) جین سر حال و فعال بود، خواهرش غمگین بود.

**Although Ali is lazy,** his brother is hardworking.

اگرچه علی تنبل است، برادرش سختکوش است.

**Despite the fact that the sun has been shining all day,** the snow has not yet melted.

به رغم اینکه خورشید در تمام روز تابیده، برف هنوز آب نشده. (یک حرف ربط وابسته‌ساز کنکوری دیگر!)

حروف ربط وابسته‌ساز تضاد:

**although, even though, though, while, whereas, despite the fact that, ...**

**نکته آزمون:** در زبان فارسی اکثر ما این نوع جمله‌واره‌ی قیدی را اشتباه استفاده می‌کنیم، مثلاً می‌گوییم: «با اینکه خوابم می‌آمد، ولی

به زور خودم را بیدار نگه داشتم.» باید یا «با اینکه» یا «ولی» را حذف کنیم. پس شکل درستش این طوری است: «با اینکه خوابم می‌آمد، به زور

خودم را بیدار نگه داشتم.» یا «خوابم می‌آمد، ولی به زور خودم را بیدار نگه داشتم.» در زبان انگلیسی هم همینطور است:

**Incorrect: Although she is intelligent, but she finds it difficult to express her ideas.**

**Correct: Although she is intelligent, she finds it difficult to express her ideas.**

اگرچه او باهوش است، نمی‌تواند ایده‌هایش را بیان کند.

**Example 3: Tipping is common practice throughout the world, ..... the custom can differ considerably among countries.**

- 1) on the contrary      2) however      3) despite      4) although

**پاسخ:** گزینه «۴» انعام دادن یک عمل رایج در سراسر جهان است **گرچه** این سنت در بین کشورهای مختلف به طریق مختلفی انجام می‌شود.

**توضیح گرامری:** با توجه به مفهوم جمله، گزینه (۱) کنار می‌رود. گزینه (۳) نادرست است چون بعد از *despite* نباید از جمله استفاده کنیم. گزینه (۲) رد می‌شود چون معمولاً بعد از *however* از *کاما* استفاده می‌شود اما در اینجا هیچ کامایی بعد جای خالی وجود ندارد.

**Example 4: ..... the phrase "mass extinction" definitely sounds alarming, it is not something uncommon for our plant.**

- 1) Although      2) Despite      3) In addition to      4) However

**پاسخ:** گزینه «۱» «اگرچه عبارت «انقراض گسترده» نگران‌کننده به نظر می‌رسد، چیزی نیست که در سیاره ما غیررایج باشد.

**توضیح گرامری:** با توجه به مفهوم تست، گزینه (۳) رد می‌شود. گزینه (۴) کنار می‌رود چون بعد از *however* همیشه *کاما* استفاده می‌شود. گزینه (۲) نادرست است چون بعد از *despite* هیچ وقت جمله استفاده نمی‌شود. پس این شما و این هم گزینه (۱):

**Although the phrase "mass extinction" definitely sounds alarming,** it is not something uncommon for our plant.

**Example 5: Today carpet refers to floor coverings that reach from wall to wall ..... rug refers to a piece of material that covers only one section of the floor.**

- 1) among      2) therefore      3) in as much as      4) whereas

**پاسخ:** گزینه «۴» امروزه فرش اشاره به پوشش کف اتاق دارد که از یک دیوار تا دیوار دیگر امتداد می‌یابد در حالی که قالیچه اشاره به تکه‌ای از ماده دارد که تنها یک بخش از کف را می‌پوشاند.

**توضیح گرامری:** اگر جمله را معنی کنیم می‌بینیم به حرف اضافه‌ی *whereas* (در حالی که) و در نتیجه جمله‌واره‌ی قیدی تضاد نیاز داریم.

**Example 6: ..... earlier discussions of the possibility of Earth's motion, the Polish astronomer Nicolaus Copernicus was the first to propound a comprehensive heliocentric theory.**

- 1) Although there had been      2) Despite there were  
3) Nevertheless, it had been      4) Even though they were

✓ پاسخ: گزینه «۱» گرچه در ابتدا بحث‌هایی در مورد احتمال حرکت زمین وجود داشت، فزانورد لهستانی نیکولاس کوپرنیک اولین فردی بود که یک نظریه‌ی جامع خورشیدمحوری ارائه کرد.

**توضیح گرامری:** وقتی می‌خواهیم بگوییم چیزی «وجود دارد» باید از *there is / are* استفاده کنیم نه از *it is* یا *they are* (علت نادرست بودن گزینه‌های (۳) و (۴)).

*There is a lot of debate about the safety of nuclear power.*

از طرفی می‌دانیم که *despite* حرف اضافه است، پس نمی‌توانیم بعد از آن از جمله استفاده کنیم (علت نادرست بودن گزینه (۲)). ولی *although* حرف ربط است و بعد از آن باید از جمله استفاده کنیم:

Although there had been earlier discussions of the possibility of Earth's motion, the Polish astronomer Nicolaus Copernicus was the first to propound a comprehensive heliocentric theory.

### جمله‌واری قیدی شرطی (conditional clauses)

You will see hundreds of stars if you look at the sky. اگر به آسمان نگاه کنید، صدها ستاره خواهید دید.

You can study distant stars provided (or providing) that you have a radio telescope.

می‌توانید به مطالعه‌ی ستارگان دوردست بپردازید، به شرطی که تلسکوپ رادیویی داشته باشید. (می‌تواند یک حرف ربط کنکوری باشد!)

Come tomorrow unless I phone. فردا بیا مگر اینکه تماس بگیرم.

Even if you apologize, she still may not forgive you. حتی اگر معذرت‌خواهی کنی، او هنوز هم ممکن است تو را نبخشد.

In case you haven't figured it out, let me explain. اگر متوجه نشده‌ای، اجازه بده من توضیح دهم.

حروف ربط وابسته‌ساز شرطی:

if, provided that, in the event that, in case, unless, even if

🐞 **Example 7:** I'll be there at six ..... I get delayed.

- 1) provided                      2) in case of                      3) as soon as                      4) unless

✓ پاسخ: گزینه «۴» من ساعت ۶ آنجا خواهم بود مگر اینکه تأخیر داشته باشم.

**توضیح گرامری:** با توجه به مفهوم جمله، حرف ربط *unless* به معنی «مگر اینکه» بهترین جواب است.

🐞 **Example 8:** Even if children don't end up pursuing a particular subject, sport or instrument, ..... proficiency in one domain helps them understand how to build long-lasting skills in others.

- 1) when attained                      2) though attaining                      3) attaining                      4) which attains

✓ پاسخ: گزینه «۳» حتی اگر کودکان دست از دنبال کردن یک موضوع خاص مانند ورزش یا یک آلت خاص برندارند، دستیابی به سطح حرفه‌ای در یک زمینه به درک آن‌ها در ایجاد مهارت‌های پایدار طولانی‌مدت در موارد دیگر، کمک شایانی می‌کند.

**توضیح گرامری:** یک جمله‌واری قیدی شرطی داریم:

Even if children don't end up pursuing a particular subject, sport or instrument, attaining proficiency in one domain helps them understand how to build long-lasting skills in others.

جمله‌واری قیدی شرطی را با نام **جملات شرطی** هم می‌شناسیم. این جملات از دو بخش **جمله‌ی شرطی** و **جواب شرطی** تشکیل شده‌اند. جمله‌ای که با *if* شروع شود، جمله‌ی شرطی (*if-clause*) و جمله‌ای که در پی آن بیاید، جواب شرطی (*main clause*) نامیده می‌شود. چهار نوع جمله‌ی شرطی داریم:

**۱. شرطی نوع صفر:** این نوع شرطی ساده‌ترین نوع شرطی است که در هر دو طرف آن از زمان **حال ساده** استفاده می‌شود. از این نوع شرطی وقتی استفاده می‌کنیم که بخواهیم یک حقیقت علمی را بیان کنیم:

If you boil water, it changes into steam. اگر آب را بجوشانید، بخار می‌شود.

If you leave ice in the sun, it melts.

اگر یخ را در جلوی خورشید رها کنید، آب می‌شود.

**۲. شرطی نوع اول:** این نوع شرطی وقتی استفاده می‌شود که بخواهیم بگوییم اگر شرایط یک چیز فراهم باشد، حتماً چیز دیگری اتفاق می‌افتد یا می‌تواند اتفاق بیفتد. در این نوع شرطی، جمله‌ی شرطی به صورت زمان **حال** به کار می‌رود و جواب شرطی به صورت **آینده‌ی ساده**:

If you listen carefully, you will understand the lesson. اگر با دقت گوش بدهی، درس را خواهی فهمید.



## در صورتی که دو ساختار با فعل be به هم متصل شوند، باید موازی باشند:

To learn is to understand the world.

یادگیری یعنی درک جهان.

What you see is what you get.

چیزی که می‌بینی همان چیزی است که به دست می‌آوری.

**Example 9:** It has been said by a celebrated person that to meet F. Scott Fitzgerald is ..... of a stupid old woman with whom someone has left a diamond.

- 1) thinking                      2) about thinking                      3) thinks                      4) to think

پاسخ: گزینه «۴» به گفته‌ی یک شخص مشهور، آشنایی با اف. اسکات فیتزجرالد مثل تصور کردن پیرزن کندذهنی است که کسی الماسی را پیش او جا گذاشته است.

**توضیح گرامری:** در این تست *to meet* فقط با *to think* موازی است:

It has been said by a celebrated person that **to meet** F. Scott Fitzgerald **is to think** of a .....

**نکته آزمون:** گفتیم در ساختارهای موجود در یک دنباله، ساختارها باید موازی باشند. یا به عبارتی، یک نقش گرامری داشته باشند. با این حساب جمله‌ی زیر را چگونه می‌توان توجیه کرد؟

They wanted **to paint** the living room, **lay** a new carpet, and **buy** a new sofa.

در حقیقت در این جمله حذف به قرینه صورت گرفته. در فارسی هم همین قاعده را داریم؛ مثلاً در این جمله: «همه‌ی آنها خسته و راهی منزل شدند». این جمله شکل کوتاه‌شده‌ی «همه آنها خسته شدند و راهی منزل شدند» است که در جمله‌ی اول فعل «شدند» به قرینه حذف شده. در انگلیسی هم این قانون صدق می‌کند، پس جمله بالا در ابتدا به شکل زیر بوده:

They wanted **to paint** the living room, **to lay** a new carpet, and **to buy** a new sofa.

مثال بیشتر: (قسمت‌هایی که داخل پرانتز قرار دارد می‌تواند به قرینه حذف شود)

He **had finished** the game, (**had**) **taken** a shower, and (**had**) **eaten** lunch by the time I got to house.

In Columbus' Day, people believed **that the earth was square** and (**that**) **a person could fall off the edges**.

پس از همه‌ی این‌ها یاد گرفتیم که حروف اضافه، افعال کمکی، حروف تعریف و علامت مصدر را می‌توان به قرینه حذف کرد.

**توجه:** در آزمون‌ها اولویت با این است که حذف به قرینه صورت نگیرد. بنابراین شما سعی کنید در درجه‌ی اول گزینه‌ای را انتخاب کنید که در آن حذف به قرینه صورت نگرفته باشد.

همچنین دقت کنید اگر در ساختار دوم یک دنباله حذف به قرینه انجام نشده باشد، اجازه ندارید در ساختار سوم حذف به قرینه انجام دهید و یا برعکس، اگر در دومی حذف به قرینه انجام شده باشد، باید در ساختار سوم هم حذف به قرینه انجام دهید. پس دو جمله‌ی زیر نادرست هستند.

**Incorrect:** They wanted **to paint** the living room, **to lay** a new carpet, **and buy** a new sofa.

**Incorrect:** They wanted **to paint** the living room, **lay** a new carpet, **and to buy** a new sofa.

به مثال زیر هم دقت کنید:

**Incorrect:** Paula went **to work**, a restaurant, and **to the movies**.

**Correct:** Paula went **to work**, a restaurant, and the movies.

**Correct:** Paula went **to work**, **to a restaurant**, **and to the movies**. پائولا به سر کار، رستوران و به سینما رفت.

**Example 10:** To impress a prospective employer, one should dress neatly, be prompt, and displaying

1

2

3

4

interest in the job.

پاسخ: گزینه «۴» به منظور تحت تأثیر قرار دادن کارفرمای آینده‌نگر، شخص باید لباس‌های مرتب بپوشد، سروقت حضور پیدا کند و به کار خود علاقه نشان دهد.

**توضیح گرامری:** شاید در نگاه اول گزینه‌های (۳) و (۴) را انتخاب کنید و بگویید قبل از *dress* از فعل کمکی *should* استفاده شده، پس باید *be prompt* با *should* همراه باشد و *displaying* هم به صورت *should display* باشد. اما همان‌طور که گفتیم، می‌توانیم *should* را به قرینه حذف کنیم. پس می‌توانیم بگوییم در گزینه (۳) *should* به قرینه حذف شده و کافی است در گزینه (۴)، *displaying* را به *display* تبدیل کنیم.

To impress a prospective employer, one should dress neatly, **be prompt**, and **display** interest in the job.



# مدرسان شریف

## فصل سیزدهم

### «وارونگی»

مبحث وارونگی یکی دیگر از مباحث مهم کنکور است که به اندازه‌ی ساختار موازی اهمیت دارد. برای اینکه بدانیم وارونگی چیست ابتدا باید ترتیب اصلی اجزای جمله در زبان انگلیسی را بدانیم که به صورت زیر است:

مفعول (object) + فعل (verb) + فعل کمکی (auxiliary) + فاعل (subject)

ولی در بعضی جاها، این ترتیب به هم ریخته و جای فعل کمکی (یا بعضاً فعل اصلی) و فاعل عوض می‌شود که به این پدیده، وارونگی (inversion) می‌گوییم. ساده‌ترین شکل وارونگی، در جملات سؤالی رخ می‌دهد:

حالت معمول : **You are using a computer.**

وارونگی : **Are you using a computer?**

آیا از کامپیوتر استفاده می‌کنی؟

دو نوع وارونگی داریم:

۱- وارونگی فاعل و فعل کمکی (که در این موارد، وارونگی معمولاً اجباری است)

۲- وارونگی فاعل و فعل (که در این موارد، وارونگی همیشه اجباری نیست)

### وارونگی فاعل و فعل کمکی

همان‌طور که از اسمش پیداست، در این نوع وارونگی باید فعل کمکی (مثل do, does, should, can و ...) به قبل از فاعل برود. این نوع وارونگی به دو صورت اعمال می‌شود:

۱- در جمله، فعل کمکی داریم: در این صورت کافی است فعل کمکی را به قبل از فاعل بیاوریم.

حالت معمول : **I will never again write on the wall.**

وارونگی : **Never again will I write on the wall.**

من هرگز دوباره روی دیوار چیزی نخواهم نوشت.

۲- در جمله، فعل کمکی نداریم: در این موارد، متناسب با زمان جمله، از فعل کمکی do, does و did استفاده می‌کنیم.

حالت معمول : **The computer not only examines information but also performs logical operations.**

وارونگی : **Not only does the computer examine information but also it performs logical operations.**

کامپیوتر نه تنها اطلاعات را بررسی می‌کند، بلکه عملیات منطقی نیز انجام می‌دهد.

**توضیح:** در این مثال فعل کمکی نداریم، اما چون فعل جمله *examines* است، می‌توانیم از فعل کمکی متناسب با آن، یعنی *does* استفاده کنیم. دقت داشته باشید بعد از اعمال وارونگی، زمان از فعل گرفته می‌شود و دیگر نباید *s* سوم شخص یا *d* گذشته داشته باشد.

### وارونگی فاعل و فعل کمکی چه موقع رخ می‌دهد؟

**الف. اگر جمله با ترکیبات همراه با only یا not شروع شود**

اگر جمله با عبارت‌ها و ترکیبات خاص زیر که همراه با *only* یا *not* هستند، شروع بشود، وارونگی صورت می‌گیرد: (لازم نیست این عبارت‌ها را حفظ کنید، در عوض قاعده‌اش را یاد بگیرید و به عبارت‌های زیر، نگاه اجمالی بیندازید.)

**Combinations with not:** Not until, Not often, Not only ....

**Combinations with only:** Only after, Only once, Only then, Only by chance, Only with difficulty, Only by luck, Only in this way, Only today, Only yesterday, Only in 2010 / 1985 / the 19<sup>th</sup> century...

1. **Not only** has she been late three times, she has also done no work. او نه تنها سه بار دیر کرده، بلکه کاری هم انجام نداده.
2. **Only rarely** does an accident happen in this small town. در این شهر کوچک بسیار به ندرت تصادفی اتفاق می‌افتد.
3. **Only when** she apologizes will I speak to her again. تنها زمانی که عذرخواهی کند با او دوباره صحبت خواهیم کرد.
4. **Not until** the Middle Ages did glass become a major construction material. تا قرون وسطی، شیشه یکی از مواد اصلی بسیاری از سازه‌ها نشده بود.

در این حالت از وارونگی، اگر جمله با **not only** شروع شده باشد، باید اولین فعل وارونه شود (مثل مثال ۱ در بالا)، اما در باقی موارد، بسته به اینکه عامل ایجادکننده‌ی وارونگی، حرف اضافه است یا حرف ربط، وارونگی می‌تواند در اولین یا دومین فعل صورت بگیرد. مثلاً در مثال ۳ چون **only when** (یا بهتر است بگوییم **when**) حرف ربط است، دومین فعل دچار وارونگی شده، اما در مثال ۴، چون **until** حرف اضافه است، اولین فعل وارونه شده. پس قاعده‌مان این شد: اگر عامل ایجادکننده‌ی وارونگی، حرف اضافه باشد، اولین فعل را وارونه می‌کنیم، اما اگر حرف ربط باشد، باید دومین فعل دچار وارونگی بشود. مثال‌های بیشتر زیر را هم ببینید:

**Not until** I got home did I realize my wallet was missing. تنها وقتی به خانه رسیدم، متوجه شدم کیف پولم گم شده. {وارونگی در فعل دوم رخ داده چون **not until** حرف ربط است.}

**Only after** the president resignation, did the protests stop. تنها بعد از استعفای رئیس‌جمهور، اعتراضات خوابید. {**only after** حرف اضافه است. پس اولین فعل وارونه می‌شود.}

**Example 1: Not until several days after the accident, ..... to remember what had happened.**

- 1) John began                      2) John had began                      3) did John begin                      4) John was beginning

پاسخ: گزینه «۳» تنها چند روز بعد از آن تصادف، جان یادش آمد چه اتفاقی افتاده بود.

**توضیح گرامری:** کاربرد **not until** در آغاز جمله باعث وارونگی می‌شود:

**Not until** several days after the accident, did John begin to remember what had happened.

در بقیه‌ی گزینه‌ها وارونگی صورت نگرفته. پس همگی اشتباه هستند.

**Example 2: Not only ..... something to eat, but we also need some money.**

- 1) we need                      2) we are needing                      3) do we need                      4) need we

پاسخ: گزینه «۳» نه تنها ما به چیزی برای خوردن نیاز داریم، بلکه به مقداری پول هم احتیاج داریم.

**توضیح گرامری:** هر وقت یک جمله با **Not only** شروع شود، باید اولین فعل دچار وارونگی شود:

**Not only** do we need something to eat, but we also need some money.

**Example 3: Only after a baby seal is pushed into the sea by its mother, ..... to swim.**

- 1) will it learn how                      2) how will it learn                      3) and it learns how                      4) and how it will learn

پاسخ: گزینه «۱» فقط بعد از اینکه بچه فک توسط مادرش به سمت دریا هل داده شود، یاد خواهد گرفت چگونه شنا کند.

**توضیح گرامری:** چون جمله با **Only after** شروع شده، باید وارونگی صورت بگیرد: (**only after** یک حرف ربط است، پس دومین فعل وارونه می‌شود)

**Only after** a baby seal is pushed into the sea by its mother, will it learn how to swim.

**Example 4: Not until Edward Jenner developed the first anti-smallpox serum in 1796 ..... against this terrible disease.**

- 1) protection was                      2) it was protected                      3) protection was given                      4) was there protection

پاسخ: گزینه «۴» تا پیش از آنکه ادوارد جنر، در سال ۱۷۹۶ نخستین سرم ضد آبله را کشف کند، هیچ محافظتی در مقابل این بیماری خطرناک وجود نداشت.

**توضیح گرامری:** چون **not until** در اول جمله استفاده شده و چون حرف ربط است، باید دومین فعل دچار وارونگی شود:

**Not until** Edward Jenner developed the first anti-smallpox serum in 1796 was there protection ...

**Example 5: Not until a student has mastered algebra, ..... to understand principles of geometry, trigonometry, and physics.**

- 1) begins                      2) he can begin                      3) he begins                      4) can he begin

پاسخ: گزینه «۴» تنها وقتی که یک دانشجو به جبر مسلط شود، می‌تواند اصول هندسه، مثلثات و فیزیک را درک کند.

**توضیح گرامری:** **Not until** در ابتدای جمله باعث وارونگی می‌شود. (چون حرف ربط است، باید دومین فعل وارونه شود)

**Not until** a student has mastered algebra, can he begin to understand principles of geometry, trigonometry, and physics.

# PART TWO

# VOCABULARY

از ۱۵ تا سؤال درس زبان عمومی، ۱۰ سؤال (سؤالات ۱ تا ۱۰) به ارزیابی دانش لغوی شما می‌پردازد و از آنها که واژگان برعکس گرامر، گسترده‌گی بیشتر دارد، ما سعی کرده‌ایم این واژگان را در چهار بخش به شما آموزش بدهیم:

**بخش اول:** پیشوندها، پسوندها و ریشه‌ها. در این بخش حدوداً ۱۰۰ واژه یاد خواهید گرفت.

**بخش دوم:** فهرست واژگان آکادمیک (حدوداً ۵۰۰ واژه)

**بخش سوم:** واژگان کتاب Essential words for the TOEFL

**بخش چهارم:** سؤالات کارشناسی ارشد از سال ۱۳۹۲ به بعد



## مدرس‌ان شریف

### «واژگان»

#### پیشوند، پسوند و ریشه

همه زبان‌ها بدون استثنا فهرست عظیمی از واژگان دارند؛ بنابراین حفظ کردن همه‌ی آن‌ها کار دشواری است. یک راه اثبات شده برای مقابله با این معضل، یادگیری پیشوندها، پسوندها و ریشه‌ها است.

واژگان در هر زبانی که باشند از سه بخش **ریشه (root)**، **پیشوند (prefix)** و **پسوند (suffix)** تشکیل شده‌اند.

❖ **ریشه**، هسته‌ی وجودی هر واژه است و می‌تواند به‌خودی‌خود معنا داشته یا نداشته باشد؛ مثلاً در واژه **uneasy**، ریشه **easy** به‌خودی‌خود معنا دارد اما در واژه **permit** ریشه **mit** به‌خودی‌خود معنا و کاربرد ندارد.

❖ **پیشوند**، ون‌دی است که قبل از ریشه قرار می‌گیرد؛ مثلاً در واژه **disappear** (ناپدیدشدن)، **unlikely** (غیرمحتمل)، **impossible** (غیرممکن) و غیره. همان‌طور که می‌بینید پیشوندها معمولاً مقوله‌ی دستوری (part of speech) را تغییر نمی‌دهند؛ یعنی **appear** (ظاهر شدن) یک فعل است. اگر **dis** را به قبل از آن اضافه کنیم باز هم **disappear** همان فعل باقی خواهد ماند.

❖ **پسوند**، ون‌دی است که به بعد از ریشه اضافه می‌شود، مثل پسوند معروف قیدساز **ly** در واژه **carefully** یا **differently**. یا مثلاً **er** در واژه **teacher** و یا **ment** در واژه **management**. پسوند معمولاً مقوله‌ی دستوری را تغییر می‌دهد؛ مثلاً **ly** صفت **careful** را به قید **carefully** تغییر داد. یا فعل **manage** را به اسم **management** تغییر داد.

حالا این‌که می‌گوییم می‌توان با دانستن معنی ریشه‌ها، پیشوندها و پسوندها دامنه‌ی لغات خود را افزایش داد یعنی چه؟ فرض کنید شما معنی ریشه **origin** (منشأ، خاستگاه) را می‌دانید. حالا ببینید با همین یک واژه چند واژه‌ی جدید می‌شود یاد گرفت: **originate** (سرچشمه گرفتن، نشئت گرفتن)، **original** (اصلی، اورجینال)، **unoriginal** (غیراصلی، غیراورجینال)، **originally** (در اصل). یا مثلاً از واژه **manage** به معنی «مدیریت کردن، اداره کردن»، می‌توان این واژه‌ها را ساخت: **management** (مدیریت)، **manageable** (قابل مدیریت و کنترل)، **unmanageable** (غیرقابل مدیریت).

این تکنیک حتی در پاسخگویی به سؤالات کنکور هم به ما کمک می‌کند. مثلاً در تست زیر:

**Example:** Laying a bouquet of flowers and the gift-wrapped doll upon the bed, the young mother kissed the sleeping Soha and said this .....: "A happy birthday, and God bless you, my daughter!" (سراسری ۹۷)

- 1) beneficence      2) malediction      3) benediction      4) valediction

**ترجمه:** مادر جوان، دسته‌گل و عروسک کادو شده را بالای تخت گذاشت و دخترش سوها را که خواب بود، بوسید و این ..... را برایش خواند: «تولدت مبارک و خدا پشت و پناهت باشد، دخترم.»

**توضیح:** هر چهار گزینه، واژگان دشواری هستند. در اینجا ما با چند تا پیشوند و پسوند اساسی سروکار داریم که اگر معنی‌شان را بدانیم می‌توانیم از طریق رد گزینه به این سؤال پاسخ دهیم. یکی از آنها پیشوند **mal** (در گزینه ۲) است. این پیشوند یعنی «بد»؛ مثلاً در واژه **malware** (بدافزار) هم آن را دیده‌ایم. پس گزینه (۲) (به معنی: لعن و بدگویی) هم قطعاً معنی بدی می‌دهد و از آنجا که هیچ مادری بد فرزندش را نمی‌خواهد این گزینه را رد می‌کنیم. پیشوند **bene** در گزینه‌های (۱) و (۳) یعنی «خوب»؛ مثلاً در واژه **benefit** «مزیت، فایده» یا **beneficial** «مفید، سودمند». پس گزینه‌های (۱) و (۳) را باید نگه داریم. ریشه‌ی **dict** در گزینه‌های (۳) و (۴) یعنی «خواندن». پسوند **tion** هم یک پسوند اسم‌ساز است، مثلاً در **invitation** (دعوت). با این حساب می‌توان گزینه‌ی (۳) را به این صورت ترجمه کرد: «یک چیز خوب و نیک که خوانده می‌شود (دعا)». در گزینه (۴) پیشوند **vale** به معنی «خداحافظی» است پس می‌توانیم این گزینه را به این صورت ترجمه کنیم «عمل خداحافظی خواندن (وداع)». پس این گزینه هم با توجه به معنی جمله کنار می‌رود. گزینه‌ی (۱) هم به خاطر عدم حضور ریشه **dict** باید کنار برود. پس این شما و این هم گزینه (۳).

در ادامه فهرستی از این پیشوندها، ریشه‌ها و پسوندها ارائه کرده‌ایم:

(۱) پیشوندها

پیشوند	معنی	مثال	معنی
a-, an-	پیشوند منفی‌ساز، به معنی بدون، بی	atypical anarchy anonymous amorphous	غیر معمولی هرج و مرج گمنام، بی‌نام و نشان بی‌شکل
ab-, abs-	پیشوند منفی‌ساز، به معنی دور، جدا، غیر	abnormal abduct abscond absent	غیر عادی آدم‌ربایی کردن گریختن غایب
ante-	قبل از، پیش از، جلو	antedate antecedent anterior	جلو انداختن مقدم، پیشین مقدم
ant-, anti-	ضد، مخالف	antidote antagonist antipathy	پادزهر دشمن، ضد نفرت، ضدیت
bi-	دو	bisect bilateral	دو نیم کردن دوجانبه
circum-	پیرامون، اطراف	circumvent circumspect	با دوز و کلک دور زدن محتاط، ملاحظه‌کار
co-, com-, con-	باهم، یکدیگر	cooperate community consensus collaborate communicate	همکاری کردن جامعه، وحدت هم‌رأیی همکاری کردن ارتباط برقرار کردن
contra-	ضد، مخالف	contradict contravene	تناقض داشتن تخطی کردن
counter-	ضد، علیه	counterclockwise countermeasure counterpart	خلاف عقربه‌های ساعت اقدام متقابل طرف مقابل، هم‌تا
de-	گیرنده، کاهنده (پیشوند منفی‌ساز)	deactivate dethrone detract	غیرفعال کردن عزل کردن کاستن
dis-	پیشوند منفی‌ساز	disperse disinterested	متفرق کردن بی‌غرض، بی‌طرف
du-, duo-	دو	duo duality	زوج دوگانگی
ex-	بیرون، بیرون از	expel exclaim exorbitant	بیرون کردن فریاد زدن فراوان، زیاد
in- (also im-)	به داخل، به درون	impart inculcate	بهره‌مند ساختن تلقین کردن
in- (also il-, im-, ir-)	پیشوند منفی‌ساز	irrelevant impossible insignificant invariable illicit inept invulnerable impervious indeterminate irresponsible invalidate irrational	بی‌ربط غیرممکن ناچیز نامتغیر غیرقانونی بی‌دست‌وپا تخطی‌ناپذیر نفوذناپذیر نامشخص بی‌مسئولیت بی‌اعتبار کردن غیرمنطقی

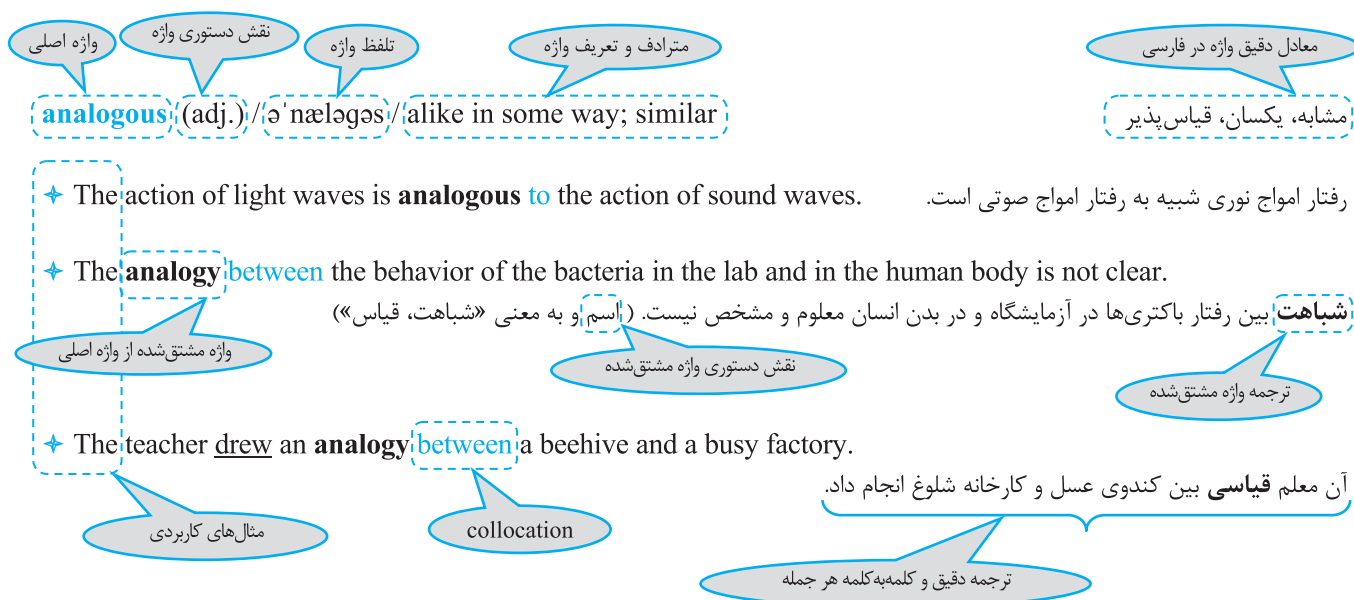
پیشوند	معنی	مثال	معنی
inter-	بین، میان	intervene interact intermittent international	وساطت کردن اثر متقابل گذاشتن متناوب بین‌المللی
intra-	درون، داخل	intramural	درون شهری
intro-	درون، به درون	introspective introvert introduction	درون‌نگر درون‌گرا عرضه، رواج
mal-	بد، نادرست	malnutrition malfunction malpractice malign malignant	سوء تغذیه بدکار کردن تخلف، لغزش بدنام کردن بدخواه، بداندیش
mis-	پیشوند منفی‌ساز	misspell miscreant misconception	غلط نوشتن متخلف تصور غلط
mono-	تک، تنها	monologue monogamy monocle	تک‌گویی تک‌همسری عینک یک‌چشمی
multi-	چند	multiple multimillionaire multifarious	متعدد مولتی‌میلیونر گونگون
neo-	نو، جدید	neologism neonate neophyte	نوواژه نوزاد تازه‌کار
non-	پیشوند منفی‌ساز	nonchalant	بی‌تفاوت
over-	بیش‌از، خیلی	overabundance overestimate	وفور زیادی بها دادن
poly-	چند	polytechnic polyglot	پلی‌تکنیک چندزبانانه
post-	بعد، پس‌از	postpone postmodern postoperative	به عقب انداختن پست‌مدرن پس از عمل
pre-	قبل، پیش‌از	precaution precede presage predict prelude	احتیاط مقدم بودن نشانه چیزی بودن پیش‌بینی کردن پیش‌درآمد، مقدمه
pro-	به سوی جلو	proceed proclivity progress	پیش رفتن گرایش پیشرفت
pseudo-	کاذب، جعلی	pseudoscience	شبه علم
re-	دوباره	recall reconcile rescind	به یاد آوردن آشتی دادن لغو کردن
semi-	نیمه، نیمه	semiannual semiconscious	نیمه‌ساله نیمه‌هوشیار
sub-	زیر	subdue subjugate	مهار کردن به زانو درآوردن
super-	فوق، برتر	superhero superficial supercilious superior	ابرقهرمان سطحی متکبرانه مافوق
trans-	سرتاسر، ورای	transmit translate transform	فرستادن ترجمه کردن تغییر شکل دادن
tri-	سه	triangle	مثلث

## لغات کتاب Essential Words for the TOEFL

براساس تجزیه و تحلیلی که از کنکورهای ده دوازده سال اخیر انجام دادیم، به این نتیجه رسیدیم که یکی از مهم‌ترین منابع واژگان برای کنکور کارشناسی ارشد کتاب Essential Words for the TOEFL است که هر ساله حدوداً سه چهار سؤال از لغات همین کتاب طراحی می‌شود. در نتیجه علاوه بر لغاتی که در دو بخش قبل مطالعه کردید، مطالعه لغات این بخش هم از اهمیت بالایی برخوردار است. در این بخش تمام واژگان کتاب مذکور با چندین مثال برای هر واژه قرار گرفته و از این رو نیازی به مطالعه منبع اصلی نیست.

### راهنمای استفاده حداکثری از این بخش:

در این بخش تمام کلمات کتاب مذکور به ترتیب حروف الفبا آموزش داده می‌شود. تصویر زیر اطلاعات ارائه‌شده در مورد هر واژه را به صورت شماتیک به شما نشان می‌دهد:



### چند نکته که باید به آنها دقت کنید:

۱- همانطور که می‌بینید ما زیر برخی از واژگان را خط کشیدیم (مثلاً در مثال بالا زیر واژه draw) یا در بعضی از مثال‌ها یک سری از کلمات را آبی کرده‌ایم. این یعنی کلمه بلدشده و واژه آبی یا زیرخط‌دار یک collocation (همایند) هستند. collocation یعنی «میل دو یا چند واژه برای قرار گرفتن در کنار یکدیگر». مثلاً در زبان فارسی واژه «تأثیر» را در نظر بگیرید. این واژه معمولاً با واژگان زیر به کار می‌رود: «تأثیر بر / روی»، «تأثیر گذاشتن»، «تأثیر مطلوب / نامطلوب»، «تأثیر داشتن». اما هیچ وقت نمی‌گوییم «تأثیر خوردن / زدن» چرا که واژه «تأثیر» اصطلاحاً میل ندارد با واژه «خوردن یا زدن» به کار برود. در زبان انگلیسی هم همین‌طور است. مثلاً واژه effect میل دارد با واژگان زیر بیاید: “effect on”, “have/ exert effect”, “positive / negative effect”

یا در همین مثال بالا واژه analogous میل دارد با حرف‌افزافه to بیاید. یا واژه analogy میل دارد قبل از حرف‌افزافه between یا بعد از فعل draw استفاده شود. به هر کدام از این‌ها می‌گوییم یک collocation که اگر کسی این‌ها را حفظ نکند واقعاً ضرر کرده. کم تست نداشته‌ایم که فقط با دانستن collocation و بدون نیاز به خواندن جمله و ترجمه آن می‌توانستیم به آنها پاسخ دهیم.

۲- اگر هدف شما از یادگیری زبان صرفاً کسب درصد بالا در آزمون کارشناسی ارشد است، لازم نیست تلفظ‌ها را دقیق یاد بگیرید چون در آزمون کارشناسی ارشد هیچ سؤالی از تلفظ‌ها مطرح نمی‌شود. تلفظ‌ها بیشتر به درد کسانی می‌خورد که می‌خواهند بعداً از این واژگان در speaking خود استفاده کنند.



راهنمای تلفظ صحیح صداها در زبان انگلیسی:

\* حروف صدادار

تلفظ	مثال	نشانه	معادل فارسی	تلفظ	مثال	نشانه	معادل فارسی
/sɔ:/	saw	ɔ:	اَ (کشیده)	/bi:/	bee	i:	ای (کشیده)
/sɜ:(r)/	sir	ɜ:	اِ (کشیده)	/sɪli/	silly	i	ای (متوسط)
/ə'pɑ:t/	apart	ə	اِ (کوتاه)	/kɪd/	kid	ɪ	ای (کوتاه)
/beɪ/	bay	eɪ	ای	/sed/	said	e	اِ
/baɪ/	buy	aɪ	آی	/bæd/	bad	æ	آ
/bɔɪ/	boy	ɔɪ	آی	/kɑ:t/	cart	ɑ:	آ (کشیده)
/nəʊ/	know	əʊ	اُو	/kɒt/	cot	ɒ	آ (متوسط)
/naʊ/	now	aʊ	اُو	/kʌt/	cut	ʌ	آ (کوتاه)
/pɪə(r)/	pier	ɪə	ایِ اِ	/fu:d/	food	u:	او (کشیده)
/peə(r)/	pair	eə	اع	/fʊt/	foot	ʊ	او (کوتاه)

\* حروف بی صدا

تلفظ	مثال	نشانه	معادل فارسی	تلفظ	مثال	نشانه	معادل فارسی
/nəʊ/	know	n	ن	/pu:l/	pool	p	پ
/lɑ:m/	line	l	ل	/bed/	bed	b	ب
/rem/	rain	r	ر	/ti:/	tea	t	ت
/jes/	yes	j	ی	/deɪ/	day	d	د
/wi:/	we	w	و	/kæt/	cat	k	ک
/ʃəʊ/	show	ʃ	ش	/gʊd/	good	g	گ
/'vɪʒən/	vision	ʒ	ژ	/fɑ:v/	five	f	ف
/tʃaɪld/	child	tʃ	چ	/vɔɪs/	voice	v	و
/dʒæk/	Jack	dʒ	ج	/si:/	see	s	س
/tu:θ/	tooth	θ	ث	/zu:/	zoo	z	ز
/ðeɪ/	they	ð	ذ	/haɪ/	high	h	ه
/sɪŋ/	sing	ŋ	نگ	/mæn/	man	m	م

/ / این علامت نشان دهنده تکیه یا فشار اولیه است.

/ / این علامت نشان دهنده تکیه یا فشار ثانویه است.

۳- بلافاصله بعد از هر واژه نقش دستوری یا part of speech آن واژه به صورت مخفف نوشته شده. راهنمای این مخفف‌ها را می‌توانید در جدول زیر مشاهده کنید:

n.	noun	اسم	v.	verb	فعل
adj.	adjective	صفت	adv.	adverb	قید
ph. v.	phrasal verb	فعل دوکلمه‌ای	conj.	conjunction	حرف ربط
prep.	preposition	حرف اضافه	prep.ph.	prepositional phrase	عبارت حرف اضافه

توجه: یادگیری مستقیم این مورد هم اجباری نیست چرا که همین که شما معنی هر واژه را یاد بگیرید، خودبه‌خود part of speech آن واژه را هم یاد می‌گیرد. مثلاً همین که یاد بگیرید teach می‌شود «آموزش دادن»، طبیعتاً با تکیه به زبان مادری‌تان متوجه می‌شوید که این واژه یک verb است. یا management به معنی «مدیریت» یک noun است. یا beautiful به معنی «زیبا» یک adjective است.

۴- حتماً مترادف‌ها را مطالعه کنید و سعی کنید واژگان را در قالب جمله یاد بگیرید چون مثال‌هایی که ما انتخاب کرده‌ایم مثال‌های کاربردی و کاملاً استانداردی هستند و قطعاً در یادگیری بهتر واژه به شما کمک می‌کنند.

## A

- abroad** (adv.) /ə'brɔ:d/ in or related to a foreign country; overseas  
خارج از کشور  
\* Louis Armstrong often traveled **abroad**.  
لوئیس آرمسترانگ اغلب به خارج از کشور سفر می‌کرد.
- abrupt** (adj.) /ə'brʌpt/ quick; without warning  
ناگهانی، غیرمنتظره  
\* There was an **abrupt** change in the weather.  
یک تغییر ناگهانی در هوا به وجود آمد.  
\* After the incident everyone left **abruptly**.  
بعد از تصادف همه به صورت ناگهانی {آنجا را} ترک کردند. (قید)
- absurd** (adj.) /əb'sɜ:rd/ ridiculous  
بوج، مزخرف، مسخره  
\* The teacher felt like laughing after he heard Sally's **absurd** excuse for not having done her homework.  
وقتی معلم بهانه‌ی مسخره‌ی «سالی» را برای انجام ندادن تکالیفش شنید، خنده‌اش گرفت.
- accelerate** (v.) /ək'seləreɪt/ to quicken; move fast; hasten  
شتاب گرفتن، سرعت دادن، تسریع کردن  
\* The action of molecules **accelerates** when they are heated.  
فعالیت مولکول‌ها در معرض گرما شتاب می‌گیرد.  
\* Exposure to the sun can **accelerate** the ageing process.  
قرار گرفتن در معرض نور خورشید می‌تواند روند پیری را تسریع کند.
- accentuate** (v.) /ək'sentʃueɪt/ to highlight; to give more importance to  
تاکید کردن، برجسته کردن  
\* The colorful dress **accentuated** the joy of the occasion.  
آن لباس رنگارنگ، لذت آن موقعیت را تأکید و برجسته کرد.
- acceptable** (adj.) /ək'septəbəl/ allowable or satisfactory; permissible  
قابل قبول  
\* The idea was **acceptable to** everyone.  
آن ایده برای همه قابل قبول بود.  
\* The registrar **accepted** more applicants than he should have.  
تعداد متقاضیانی که کارمند اداره ثبت پذیرفت بیش از تعدادی بود که او باید می‌پذیرفت. (فعل و به معنی «پذیرفتن»)
- acclaim** (n.) /ə'kleɪm/ enthusiastic approval; applause; praise  
تحسین و تشویق  
\* Isaac Stern has won **acclaim** abroad.  
اسحاق استرن در خارج از کشور مورد تشویق و تحسین است.
- account** (n.) /ə'kaʊnt/ a record or narrative description  
بازگویی، شرح، وصف  
\* His **account** of the incident varied from that of the other witnesses.  
بازگویی (شرح) او از حادثه با گزارش دیگر شاهدان متفاوت بود.
- accurate** (adj.) /'ækjʊrət/ exactly correct; precise  
دقیق، صحیح، درست  
\* She was able to make **accurate** observations with the new telescope.  
با استفاده از تلسکوپ جدید، او قادر به انجام رصدهای دقیقی بود.  
\* Experiments must be conducted with **accuracy**.  
آزمایش‌ها باید با دقت انجام بگیرد. (اسم)
- acknowledge** (v.) /ək'nɒlɪdʒ/ to know, remember, and accept the existence of something  
اذعان کردن، قبول کردن  
\* The foreman **acknowledged** the fact that there had been a mistake in the design of the house.  
سرکارگر این حقیقت را پذیرفت {اذعان کرد} که در طراحی آن خانه یک اشتباه و نقص وجود داشته است.  
\* He nodded in **acknowledgement**.  
او سرش را به نشانه تصدیق تکان داد. (اسم و به معنی «تأیید، تصدیق»)
- acquire** (v.) /ə'kwɪər/ to gain sth; to receive; obtain  
به‌دست آوردن  
\* He **acquired** two beautiful paintings during his visit to Taipei.  
در مدت دیدارش از «تایپه» دو تابلو نقاشی زیبا به‌دست آورد.
- actually** (adv.) /'æktʃuəli/ really; as a matter of fact; truly  
در واقع، به‌راستی  
\* They were **actually** very good soccer players.  
آن‌ها در واقع فوتبالیست‌های خیلی خوبی بودند.
- acute** (adj.) /ə'kju:t/ having a sudden consequence or severe effect  
حاد، شدید  
\* After the catastrophe, there was an **acute** need for emergency housing.  
بعد از فاجعه، نیاز شدیدی به اسکان فوری بود.